

صادق زیبا کلام وقتی از تهران قدیم حرف می‌زند، خاطراتش قلمبه کوب و کج و خانه محدود نمی‌ماند؛ مزه‌ها، مسیرها، مغازه‌ها و حتی رویاهای کودکی‌اش را به بخشی از این روزگار می‌رساند. وقتی از جایی شروع می‌کند که برای بسیاری از تهرانی‌ها هنوز به‌نشانه عزت مهمان است، او می‌گوید: «اول که به یاد از بستنی کرمشتری برایشان حرف بزنم، بعد می‌رویم سراغ شیرینی گاهی، کامران یزدی، شیرینی‌فروشی کاملاً یزدی‌ریز از همه پیر که خیلی معروف بود. متأسفانه از بسیاری از این نام‌ها امروز فقط خاطره و یک اسم باقی مانده است. تابستان‌ها، به‌خصوص اگر می‌خواستی به مهمانان عزت بگفاری، با بستنی کرمشتری‌اش او پذیرایی می‌کردی. وقتی از باغک مستقیم می‌رفتی سمت خیابان ری، بستنی کرمشتری همان جا بود. کافه نادری را با جزئیات به‌خاطر دارم. با پدرم چندین بار رفتم و آنجا نشان خامه‌ای‌های سه‌فرانی خریدیم.» او زوهرآکی‌ها که عبور می‌کند، به سفر می‌رسد؛ سفری که آن زوهرآخو خوش بود. رویاها بود. او در دهه‌ای که از چهره و چشمانش نمایان است از علاقه شدید دوران کودکی‌اش سخن می‌گوید: «صبح پادرم من را از شیرینان می‌آورد چهارراه لشکر پیاده می‌کرد، من رفتم دبیرستان هنرما. بار گشت ما با توتوس‌های شرکت واحد چند از چهارراه ولی عصر(عج) به تهرنجش، بعد با سوار شدن توتوس‌های داش‌پاب یا تیاوران خودم را به خانه می‌رساندم. آن زمانده‌ها دبستان که بودم و حتی سال اول دبستان، عشق من راننده‌های تپی‌تی بود. برای من دیدن، تکت‌ها و شوارخیلی شیک می‌پوشیدند. کروات من این راننده‌ها اسطوره بودند. تا کلاس چهارم، پنجم وقتی می‌پرسیدند: می‌خواهی چه کاره شوی؟ می‌گفتم: راننده تپی‌تی.» اما این رویا دوام چندانی نداشت و جایش را از روی دیگری گرفت: «تحت تأثیر دادم خالام قرار گرفتم. ایشان مسئول مدرسه علمیه قیامیه چیچر بود. ارتباط نزدیک ما، علاقه‌ای تازه در من ایجاد کرد. کلاس هشتم، نهم و دهم را در یک کفش کرده بودم و می‌خواهم بگویم، درم کفش، درس دینی نمی‌خواندم. وقتی پدرم دید، من خیلی جدی‌ام، حکم افسرداد می‌گفت: نه»

گزارش

تیرا روزبانه‌ای / روزنامه نگار: «روز دروازه»
 «تهران» این بار میزبان چهاردهی است که سال‌ها با سیاست، مجادله و مناظره و گریه خورده است، اما این گفت‌وگو نه درباره سیاست است، نه جدال‌های همیشگی، مسعود فروتن در شبی متفاوت، صادق زکریا در از فضای سیاست بیرون می‌شود و به کوچه‌های کودکی‌اش در محله آب‌مسنگل و کوچه خانوسه‌ها و همچنین خاطرات و آرزوهای که با او تکامل یافت، می‌برد. فروتن در ابتدای برنامه می‌گوید: «همان‌ما که تا امروز صد مانیان را بیشتر در قلم سیاست شنیده‌ایم تا مجاهدانه، اما امشب بار نیست از سیاست حرف می‌زنیم» می‌خواهم هرگونه بار را کنار بگذارم، کودکی، کوچه‌پس کوچه‌های تهران قدیم صحبت کنیم. «صادق زیبا کلام، با سرحات و شوخ طبعی خاص خودش از محله آب‌مسنگل تا تعریف می‌کند و همسایه‌هایی که مانند قایلیم با او هم رفتار می‌کردند.

ز کوجه دعائوسن ها تا خیابان مخصوص
 بی‌یکلام روایت خاطرات کودکی‌اش از «مجله آمبگل و کوجه دعائوسن» آغاز می‌کند: «هالی محل من آن کوجه می‌گفتند کوجه دعائوسن ها، چون اسیدعنسی، با همان سیدعنسی دعائوسن، در آن کوجه زندگی می‌کرد. می‌گفتند دعاهایشان بعضاً مؤثر واقع می‌شده و مرا چنده زبانی نشانده. من خود پدرم هالی خانه اسید، مجله دعاها را می‌پهلوان می‌تختی بود و مادر من کوجه بازار کجه ایبالسلطنه خیابان ی...»

از والیبال تیغی تا کاری خوانی برای فوتبال
 در مجله آمبگل بازی کردن فقط سرگرمی نبود، بلکه محور اصلی زندگی کودکان بود. «زیبالام خاطرات شیرینی از «بازی محلی دارد و پدرم آن می‌گوید: در کوجه‌های کجه تیغی خیابان ری «بازی متداول بود؛ یکی والیبال تیغی و دیگری فوتبال. اغلب در کوجه‌ای که پهن تر بود والیبال تیغی بازی می‌کردیم، در والیبال تیغی پنج-شش نفر بازی می‌کردیم، داور داشتیم، مقداری پول می‌دادیم، البته الان قمار ممنوع

باز گشت ناخود

زیبا کلام از رابط
هر وقت از جنو
انتخاب نمی کنن
به دوران کودکی
چیزها. مر حوم
هم به خاطر هوا



است. ولی آن موقع یک جور قمار بود و سر همان پهلوا دعاوا هم می‌شد.»

فاصله طبقاتی در خانواده زبکلام

شرایط خانوادگی زبکلام، تصویر پیچیده‌تری از جامعه آن روز تهران را نشان می‌دهد: «پدرم به‌یاد بستانهای درجه یک خانواده مادری خیلی در ارتباط خوبی داشتم، اما بعضی از اقوام مادر من، به‌جای حساسی نمی‌دانستند. می‌گفت اینها با رثت به‌جای رسیدن‌دهند؛ چون خودش را می‌دانست

و با دست گذاشتن روی زانو بلند شده بود. خانواده مادر را به اصطلاح غلطی بودند و جزو اشراف و زمین‌داران بزرگ و خانواده پرمی جزو مستضعفین روی زمین و اقله قاصه بودند بسیاری داشتند. نمی‌دانست بطور با هم از دواج کرده بودند. پدرم هم در بازار تهران روحانی و دانش علی زبیا نام بود. اما در بازار تهران به نام آشپخ هم که کباب سناخته می‌شد. اواز روحانی بود که اعتقاد داشت روحانیو باید از خود، کار حرفه‌ای داشته باشند.»

نور هم رهايش نکرده است: «ناخودآگاه،
خواهم بيايم به سمت خانه، بزرگراه را
مخصوص بازی گردم؛ جاهایی که متعلق
تفاده نمی كنم. بیشتر مترو، اسنپ و این
ت: سعی کنید از ماشین استفاده نکنید:
کنم.»

پدر زیبا کلام، مصدق بود و در حزب و حمتکشان فعالیت می کرد؛ پدر یاکلام از پدرش تصویری متفاوت ارائه می دهد؛ هم مردی که با تکیه بر کار و ششم اقتصادی مسیر زندگی خود را می گذراند؛ خانواده اش را از یکباره از او می گوید: «فصلی باشد شبهای سی و دهه ۱۳۲۰ باعث شد پدرم سیاسی شود و او طرفدار مصدق بود، اما از لحاظ تشکیلاتی در حزب: حمتکشان (به رهبری دکتر مظفر بقایی) فعالیت می کرد؛ مسئولیتی اصلی در حزب، همکاری در انتشار روزنامه «شاهد» را گان حزب و حمتکشان بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، پدرم به خاطر فعالیت در جبهه ملی، بلافاصله ساکماندهی تظاهرات ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ به طرفداران او در محک مصدق، فراری شد طرفداران شیخان جعفری (شعبان ییغ) به همراه سایر طرفداران شاه در جریان وقایع ۲۸ مرداد، همراه پدرم در میدان قزوین تهران را غارت کرد. ۴۰ سال بیشتر نداشتیم که به همراه مادرم به محلی که پدرم در آن مخفی شده بود، می رفتم. خانه متعلق به یکی از بستگان مادرم بود که پدرم در زیر زمین آن مخفی شده. مادرم به هر شب با من می گفت: به هیچ کس نباید گوی که پدرت را دیدی. چندماه بعد از کودتا و به کمک یکی دو نفر از بستگان مادرم که بار بار حشر و تشنه شدند، پدر از مخفیگاه خارج شد اما به او گفته بودند که نه به محل کسب و کارش برود و نه به منزلش. پدرم یکی دو سال به آبادان می رفت و کامیونهای اسفالتی شرکت نفت را از طریق مزایده خریداری و اوراق می کرد و به تهران می فرستاد. آنجا که از آسیاب افتاد پدرم به تهران برگشت و بار دیگر مغازه ای بزرگ تر برای فروش لوازم کامیون در میدان قزوین خرید. او به سرعست و نظر مالی پیشرفت کرد و در همان قزوین کار می کرد. پدرم ششم اقتصادی خیلی قوی ای داشت، تاجر بود و به سرعت ثروتمند شد. اول خیابان ری بودیم، بعد آمدیم خیابان خمینی کنار خانیات. چند سال خیابان مخصوص بودیم، بدستون هم همان جا می رفتم. بعد وضع مالی پدرم بهتر شد، رفتم دانشب و پدرم به تهران آمد.»

دعوت به مشارکت در ساخت

ساخت طرح‌های خود به شرح زیر بر اساس ضوابط سازمان سرمایه‌گذاری و
کد ت در تأمین مالی، طراحی، تأمین تجهیزات و ساخت، شریک انتخاب نماید.

بلاغه به روش BOLT به شماره ۱۴۰۴/ع/۱۰۰-۱

دادمان، ورودی بوستان نهج البلاغه

مساحت کل احداثات : احداث بنا به مساحت حدود ۱۱۴/۲۸ مترمربع برای کاربری‌های اداری و کافی شاپ، ۳۱ زمین اسکویش به مساحت کل ۱۸۷/۲ مترمربع یک زمین پدل به مساحت ۲۰۰ مترمربع، احداث و مرمت ۵۷/۱ مترمربع فضای سبز، احداث محوطه و راه دسترسی فضاها ۲۶۳ مترمربع

زمان اجرای پروژه : ۴ ماه شمسی کاربری‌های طرح : ورزشی

ت اسناد رقابت برای طرح فراخوان از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری روز
دافت آباد به بلوار سرو غربی به بلوار قیصر امین پور به نیش کوچه ۱۳ غربی
پاکت بصورت مهر و موم شده تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه
نخواهد شد. همچنین شهرداری در رد پذیر قبول به یک از پیشنهادات مختار است.
سط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی و ارزش‌گذاری به قیمت روز گردد.
نده شدن به عهده برنده فراخوان می‌باشد.

روابط عمومی شهرداری منطقه ۲

۲۹۹۶۰

فراخوان عمومی

شهرداری منطقه ۲ تهران در نظر دارد برای مشارکت
مشارکتهای مردمی شهرداری تهران از طریق فراخوان و مش



طرح احداث مجموعه ورزش های راکتی بوستان نر

نشانی : تهران، شهرک غرب، انتهای ۱

مساحت زمین وضع موجود : ۱۳۳۵ مترمربع

مبلغ کل سرمایه گذاری : ۱۰۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

بدینوسیله از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند دعوت می نماید جهت
چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۴ به اداره سرمایه گذاری شهرداری منطقه ۲ واقع در
ساختمان مرکزی منطقه ۲ - طبقه سوم جنوبی مراجعه نمایند. ضمناً تح
مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۴ به دبیرخانه مرکزی تحویل داده شود.

- به درخواست هایی که از طریق دیگر یا خارج از مهلت مقرر ارائه شوند ترتیب اثر
- کلیه اموال منقول و غیرمنقول معرفی شده برابر شیوه نامه توان سنجی بای
- ضمناً هزینه چاپ آگهی و حق الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری پس

تلفن تماس : ۴۱۰۰۰۰۰۰

شماره: ۱۳۹-۱۴۰۴	نوبت اول	شهرداری منطقه ۵
نشانی http://business.tehran.ir قابل رویت و دریافت می باشد. ۱۴ (ساعت ۲۴) می تواند اسناد را دریافت و نسبت به بازگذاری، امضاء و اعتبار آن به واسطه توکن اقدام نمایند. لازم به ذکر است شرکت کنندگان را به صورت فیزیکی تا ساعت ۱۶:۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ به دبیرخانه (سند) ۱۰۶۰۸۳۰۹ نزد بانک شهر شعبه آیت... کاشانی به نام شهرداری منطقه ۵ (اعتبار از تاریخ صدور) به نام شهرداری منطقه ۵ می باشد. ۱۵۰۶۱۰۰۰ (۱۳۹۱۵۰۶۱۰۰۰)، کد اقتصادی: ۴۱۱۳۴۶۹۷۵۹۳		
یابی http://business.tehran.ir می باشد. http://business.tehran.ir می گردد. شهرداری منطقه ۵ تهران فلکه دوم صادقیه - بلوار آیتاله کاشانی نرسیده به موت اعلام تعطیلی، اولین روز کاری بعد از آن ملاک تحویل اسناد خواهد بود. و در اسناد مناقصه بوده و شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادهای مختار است.		
شرایط متقاضی		شماره
۱- شرکت کنندگان می بایست دارای رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته نیرو با صنعت یا تأسیسات و تجهیزات با رتبه مرتبط با مبلغ پیمان از سازمان برنامه و بودجه کشور باشند. ۲- دارا بودن ظرفیت ریالی و سقف مجاز انجام کار از سامانه ساجار در روز بازگشایی پاکات الزامی می باشد. ۳- داشتن کارت معتبر ارائه دهنده گران خدمت و تأمین کنندگان شهرداری تهران (از حوزه معاونت خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران) به نشانی Tehran الزامی می باشد.		
صات پیمانکاری (سند شماره ۴-۱۹-۸-۶) ملاک ارزیابی قیمت مناقصه گران امین کنندگان کالا و خدمات شهرداری تهران (کارت الکترونیک پیمانکاران صه باشند.		
روابط عمومی شهرداری منطقه ۵ تهران		

[illegible]